

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« مسئله آمدن زردشتیان بر ایران »

اینکه سؤال فرموده بودید که آیا آمدن زردشتیان هند که در سابق ایرانی و در ایران بودند با قبول کردن هیئت دولت و شورای ملت بعضی شرایط و درخواست آنها را جایز است یا نه ؟ پس احقر در جواب آقایان اظهار میدارد که تشریف آوردن زردشتیان که از نجباء ایرانیان و اهل وطن ما هستند البته بسیار خوب و در نظر عقلاء و علماء و دانایان خیلی مرغوب است و فواید عدیده و عواید کثیره دارد و بلکه این حسی عوام و نسوان است بعلمت اینکه حفظ مملکت و استقلال دولت و حراست ملت و محفوظ بودن نفوس و ناموس اهل ولایت موقوف است بر زیادتی نفوس و ثروت و اگر یکی از اینها نبوده باشد نه استقلال دولت میشود و نه حفظ نفوس مملکت و از واضحات است که تشریف آوردن ایشان بر ایران باعث زیادتی نفوس ایرانیان و ثروت مملکت مسلمانان و سبب قدرت دولت و فواید ملت است زیرا که زردشتیان صاحب ثروت و مالک انواع و اقسام کارخانه ها هستند و از اشخاص متمول بمردمان فقیر فائده میرسد و از کثرت رعیت بدولت بسیار عایدات میشود و در این زمان زیاد نمودن ثروت و نفوس در ایران و خصوصاً از نظامیان از واجب واجبات و از الزم تکلیفات

اسلامیان است و در آمدن ایشان هم زیاده شدن ثروت و هم کثرت نفوس ایران است و با این دو تا تقویت دولت و حفظ مملکت و ملت میشود و مقدمه واجب و آنچه واجب بر آن موقوف است واجب عقلی است و واجب عقلی مثل واجب شرعی است و هر چه اهم باشد وجوب آن الزم است در شرع انور و اهم بودن ثروت و زیادتی نفوس و خصوصاً نظامی ایرانی از واضحات است زیرا که قوام دولت و ملت با وجود اینها است و بودن زردشتیان در مذهب غیر اسلام منافات ندارد با آمدن ایشان از جهت اینکه در ایران ملل و مذاهب مختلفی است و هر کس در مذهب خود باقی و رعیت ایران است و اهل اسلام بر مذهب و جان و مال کسی کار ندارند مادامیکه آنکس بمقام طغیان بدولت نیاید چنانکه خداوند تعالی در سوره ممتحنه فرموده **لَا يَنْهِيكُمْ اللَّهُ** **عَنِ الدِّينِ لَمْ يَقَا تَلَوْكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يَخْرُجْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ** **وَتَقْسُوا إِلَيْهِمْ** یعنی نهی نمیکند خداوند تعالی شما را از نیکوئی کردن و عدالت نمودن بر آنکسانیکه جنگ نمیکند با شما در خصوص دین شما و خارج نمینمایند شما را از ولایت شما و نیز در آن سوره میفرماید **انما يَنْهِيكُمْ اللَّهُ** **عَنِ الدِّينِ قَاتَلَوْكُمْ فِي الدِّينِ وَآخَرُكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا أَعْلَى** **آخِرَ أَجْكُمْ وَأَنْ تَوَلَّوْهُمْ** یعنی بدرستیکه نهی میکند خداوند تعالی شما را از دوستی آنکسانیکه جنگ میکنند با شما در خصوص دین و بیرون میکنند شما را از ولایت خودتان و همدست میشوند در بیرون کردن شما از اموال و ولایت خودتان پس از واضحات است که زردشتیان با ما اهل اسلام و ایران

در مقام جنگ در خصوص دین ما نیستند و بادولت ایران ضدیت ندارند و ما را از ولایت خودمان بیرون نمیکنند و در این فرض نیکوئی کردن ما برایشان و دوستی نمودن ما با آنها با صریح آیه مذکوره خوب است و بحسب شرع اسلام عیب ندارد اگر چه ایشان هیچ نفعی بر ایرانیان نداشته باشند تا چه رسد بر اینکه ایشان فائده بسیار بدولت و ملت داشته باشند و باعث تقویت دولت و ایرانیان بشوند و عدد نفوس ایران زیاد تر شود و بلکه در آیه زکوة از برای این اشخاص يك سهم قرار داده چنانکه در سوره توبه فرموده **والمؤلفة قلوبهم** و در تهذیب و تفسیر قمی و صافی از حضرت صادق **عليه السلام** روایت کرده اند که ایشان قومی هستند که خداوند را یکی میدانند و لکن بر پیغمبر **صلی الله علیه و آله** ما معرفت ندارند و حضرت رسول اکرم **صلی الله علیه و آله** با ایشان الفت میکرد و یاد میداد معارف شرعیه را برایشان تا آنکه بشناسند حق را پس خداوند از برای آنها سهم مخصوص قرارداد از زکوة تا آنکه تحصیل معرفت بکنند و راغب بشوند پس با صراحت این آیه و این حدیث باید ما اسلامیان بازردشتیان در کمال محبت و الفت و رفاقت بوده باشیم و ابداً ایشان را نرنجانیم و بر آنها احترام و اکرام نمائیم و بلکه از جهت بزرگ زادگان بودن آنها زیاده تر از سایر فرقه ها و بالاتر از باقی اهل مذاهب برایشان توقیر و تکریم نمائیم چنانکه پیغمبر **صلی الله علیه و آله** ما بر بزرگ زادگان میکرد و بر پسر حاتم چه قدر مرحمت فرمود با وجود بودن او در اول درغیر دین اسلام و حضرت امیر المؤمنین **عليه السلام** بر بزرگ زادگان ایران چه مقدار تکریم و احترام فرمودند و نگذاشتند

ایشان را مثل سائر اسیران کفار بدفروشدند با وجود آنکه ریاست در دست آن حضرت نبوده و همیشه آن حضرت بر ایرانیان حمایت میفرمودند از جهت بزرگ زاده بودن ایشان و حال آنکه اغلب آنها زردشتی بودند و همچنین بودیغمبر صلی الله علیه و آله ما چنانکه در فرمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله باخط امیر المؤمنین علیه السلام در سال نهم از هجرت بر طائفه حضرت سلمان مرقوم فرموده و در تاریخ گزیده و کلمه طبیئه مرحوم نوری ذکر شده که بعد از بعضی بیانات نوشته بدرستی که برای ایشان است امان خداوند و امان رسول او بر خونها و بر اموال ایشان در زمینی که اقامت کردند و در آن زمین از نرم و هموار و کوهستان و چشمه ها و چراگاه که ستم دیده نشوند و تنگ گرفته نباشند پس هر کسی که خوانده شود بر او این نامه من از مؤمنین پس باید محافظت کند ایشان را و نیکوئی نماید بر ایشان و پاس آنها را نگه دارد و منع نماید ستم را از ایشان و در پی آزار و صدمات آنها نباشند و من برداشتم از ایشان تراشیدن موی پیشانی را و بستن زنار در کمر را و جزیه را تا خمس و عشر که در زکوة است و باقی مصرفها و زحمتها را و دست ایشان رها است بر آتشگده ها و دهات و اموال آنها و مانع نشوند ایشان را از پوشیدن جامه فاخر و سوازی و ساختن خانه ها و اصطیلها و برداشتن جنازه ها و فرا گرفتن آنچه می یابند در در کیش و آئین خودشان و بر تری بدهند ایشان را بر سایر ملتها از اهل ذمه تا آخر فرمان همایون و در فرمان دیگر بخط حضرت سید الشهداء در سال سی و نهم از هجرت بنا بر امر مبارک حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

اینطور نوشته که این نامه وعهد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است برای بهرام شاه پسر خورزاد سرکرده زردشتیان و مباشر امر دین ایشان و از برای خاندان او که منسوبند بر آذرباد که من شما را امین گردانیدم و عهد خداوند و رسول او و امان خود مرا بشما دادم چنانکه ریاست در خاندان شما بود بر شما و بر فرزندان شما ارزانی داشتم و امر نمودم بر جمیع مسلمین و حاکمان شهرها و جهادکنندگان و صاحبان راهها را بر حفظ و نگهداری شما و ظلم را از شما دور دارند و نیکوئی کنند بشما و فرزندان شما را نیکو دارند و جزیه از شما نخواهند و ریاست شما و فرزندان شما را نگهدارند و بر داشتم از شما و از فرزندان شما جزیه شما و فرزندان شما را و آنچه از نسل شما بوجود آیند و رها کردم دستهای شما را بر آتشگدههای شما و اموال آنها و بر زینتهای و دهات موقوفه بر آنها و هدیههای آنها و ساختن آنچه خراب شود از آنها تا آنکه فرموده که مسلمانان تغییر ندهند حقی از حقوق ایشان را و نه شرطی از شروط ایشان را و اینکه اکرام کنند جوانمردان ایشان را و در گذرند از بدکاران آنها و مطالبه نکنند هرگز جزیه سزهای ایشان را و اکراه نکنند ایشان را بر قبول کردن دین اسلام تا آنکه فرموده که همه مسلمانان بدانند این را از فرمان من و مزاعات نمایند وصیت مرا در باره ایشان و فرزندان ایشان کسانیکه اسلام آوردند از ایشان و یا باقی بمانند در کیش خودشان و هر که فرمان پذیرد و بند مرا در حق ایشان نگهدارد

پس او خوشنودی خداوند و رسول او است و هر کس خلاف کند و از فرمان من سرکشی نماید پس او در خشم خداوند و رسول او خواهد بود و هر آنیه بر من خلاف نموده و دشمنی کرده و سلام و رحمت خداوند تعالی بر شما باد تمام شد فرمان همایون پس در این دو فرمان مبارک واجب الاذعان چقدر احترام و اکرام بر بزرگ زادگان از زردشتیان فرموده‌اند و اذیت برایشان را مخالفت خداوند و رسول او قرار داده‌اند و فرمان همایون حضرت پیغمبر ﷺ مشتمل است بر معجزه زیرا که در زمان آنحضرت ایران پادشاه مقتدر و استقلال تام داشت و در تصرف مسلمین نبوده تا آنکه آنحضرت بر مسلمانان در خصوص طائفه سلمان سفارش فرمایند و بلکه آنحضرت خبر از غیب داده و از فتح اسلامیان بر ولایات ایران بشارت فرموده و حال آنکه بحسب عقل در زمان آنحضرت محال بوده و سلطنت ایران بر حجاز و یمن رفته بود و الحاصل باید ما اسلامیان بر ایشان احترام و اکرام بکنیم و بر حکم و فرمان واجب اطاعه حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اطاعت نمائیم و در احترام نمودن ماها برای ایشان و خوشنودی خداوند و رسول او را بدست بیاوریم و بطور رضای خداوند تعالی و اولیاء اورفتار بکنیم تا اینکه در این خصوص معصیت کار نباشیم و انشاء الله تعالی مسلمانان ایران دستورالعمل پیغمبر (ص) و امام خودشان را در باره زردشتیان عمل میکنند و در حق ایشان توقیر و تکریم مینمایند و برایشان وعده

خوب میدهند و از بعض تحمیلات و مشقات و زحمات ایشان را خاطر جمع و آسوده میکنند تا آنکه ایشان نیز با خاطر جمعی و فارغالی بر وطن اصلی خودشان مهاجرت مینمایند و با برادران وطنی خودشان و با ایرانیان اصلی خودشان همراهی و همدستی میکنند و با همدیگر مددکاری و اعانت مینمایند در آماده کردن کارخانجات و منسوجات و ملبوسات و در شوسه کردن طرقات و درست نمودن خط آهن در ولایات و غیر از اینها از کارخانه‌ها از شیشه و کاغذ و ذوب آهن و اخراج معادن از نفت و مس و ذغال سنگ و غیر ذلك از لوازم دولت و ملت و اگر شخصی ملاحظه کند در هر روز از ایران اقلایك هزار تومان بخارجه تحویل میشود فقط از برای کاغذ و هم چنین از برای اشیاء دیگر بالمضاعف و با آمدن زردشتیان و همدست بودن ایشان با ایرانیان و برادران وطنی خودشان تمامی احتیاجات ایران از خارجه قطع میشود و لوازمات زندگانی همه ایرانی فراهم میگردد و انواع زراعات و عملیات جریان پیدا میکند و در مقابل این همه فوائد آنها اولاً فرمانهای صاحب شرع انور در احترام ایشان و آیه تألیف قلوب و حدیث مذکور و در تفسیر آیه ثانیاً پس اگر ایشان از دولت و شورای ملت بعض خواهشات نمایند و شرایط درخواست بکنند پس هیئت دولت بقدر امکان قبول میکنند و ایشان را مثل سائر اهل ملل قرار ندهند زیرا که در این فرمان زردشتیان را مثل سائر اهل مذاهب قرار نفرموده و جزیه را از ایشان

برداشته و احترام ایشان را زیاده‌تر از سایرین قرارداد و جماعت مسیحیان در ایران چقدر محترمند با وجود اینکه اغلب آنها تبعه خارجه و یا آنکه خود را تبعه خارجه مینمایند و بنا بر تصریح این فرمانها باید جماعت زردشتیان از همه اهل مذاهب در اکرام و احترام بالاتر باشند در نزد ایرانیان و شئون و مراعات ایشان زیاد تر شود نسبت بسائر اهل ادیان و اعانت و حمایت اهل ایران بالنسبه بر ایشان بیشتر گردد از حمایت ایرانیان در حق مسیحیان تبعه ایران تا چه رسد بر تبعه خارجه از آنها و اگر خدای نکرده جماعت زردشتیان از هیئت دولت چیزی و شرطی درخواست نمایند که خلاف قانون معلوم از قرآن و ضد ضروریات دین اسلام باشد نه ضد رأی بعض علماء پس در این فرض باید اولاً ایشان را قانع کرد بر قانون اسلام زیرا که قوانین آن بنا شده بر فطرت و خلقت اصلیه چنانکه در سوره روم فرموده **فَاقِم وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا** و در سوره نحل میفرماید **ان الله يامر بالعدل والاحسان وايتاء ذى القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى** و دین اسلام امر کردن است بر عدالت و احسان کردن و صلۀ ارحام نمودن و نهی کردن است از امورات قبیحه و منکرات عرفیه و از ظلم و عدوان بمردمان و اعتقاد دینداران همه ادیان اینست که در این آیه فرموده و ثانیاً اگر ممکن نشد قانع شدن ایشان پس اولیاء امور دولت و ملت ملاحظه فرمایند فواید و عواید

آمدن ایشان را با ضرر درخواست و شرایط آنها و بعد از دقت در اینها هر کدام که اهم و الزم شد پس آنها را مقدم بدانند زیرا که تقدیم راجح و اهم باز از قوانین اسلامیة و از مستقلات عقلیه و از واضحات فطریه است و در قرآن مجید در سی و یک مورد امر بقول و فعل احسن فرموده چنانکه همه آنها را در رسالۀ نجات الفرقه در مسائل متفرقه ذکر کردم و مراد از آن آیات شریفه همان تقدیم اهم و ارجح است بر مهم و راجح و اگر آمدن ایشان با آن شرایط نیز اهم و ارجح شد پس شروط ایشان را قبول میکنند از جهت تقدیم اهم بر غیر اهم و رفع افسد بر فاسد و در احادیث حضرات ائمه علیهم السلام بر لزوم تقدیم اهم تصریح فرموده اند از آن جمله در کافی و تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که سؤال نمودند از شهری از شهرهای اهل حرب که آیا جایز است که آب بر آن شهر سرس بدهند و یا آتش بزنند و یا منجنیق بر آن بیندازند تا آنکه اهل حرب کشته شوند و حال آنکه در میان آنها زنان و صبیان و اسیران و تجار مسلمانان است یا نه؟ آنحضرت فرمود جایز است همه اینها بر اهل حرب و بر جنگ کنندگان با مسلمانان و از جهت بودن پیران و صبیان و زنان و جمعی از مسلمانان در میان ایشان از آنها دست برداشته نمیشود و آن مسلمانان را نیز مثل کافران میکشند و دیه و کفاره ایشان بر جهاد کنندگان لازم نیست تا با آخر حدیث و جمیع علماء اعلام بمضمون این حدیث فتوی داده اند از جهت اهم بودن فتح بلاد و رفع فساد از میان

عباد و بلکه تقدیم اهم را در جمیع موارد ملاحظه فرموده‌اند و دلیل ایشان آیات و روایات و عقلیات و نقلیات صحیحه مذکوره است و از جهت تقدیم اهم و ارجح و تقدم انفع و الزم تقلید افضل و اعلم را جمیع علماء واجب میدانند و در این مسئله شکی نیست و آنچه ذکر کردم درجواز قبول کردن اولیاء دولت و ملت بعضی درخواستهای و شرایط جماعت آقایان زردشتیان را در تشریف آوردن ایشان بر ایران بحسب شرع انور اسلام بود و اما جهات سیاست و منافع و مضرات دولت ابد مدت را پس اولیاء دولت و سیاسی دانان شورای ملت از وزراء و امراء و امناء خوبتر و بهتر میدانند و مسئله سیاست و ملاحظه مصلحت دولت راجع است بر هیئت دولت و شورای ملت درهربابت ، صلاح مملکت خویش خسروان دانند .

حرره الاحقر الارومی عرب باغی الموسوی

« در هشتم شهر شعبان در سنه ۱۳۴۵ »